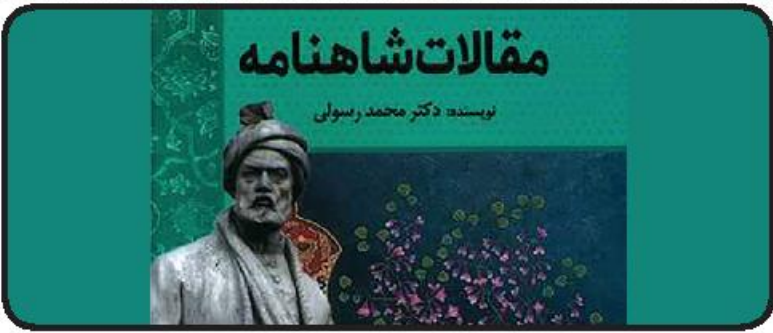




هوشنگ توکلی: یک دیگر را متهم نکنید

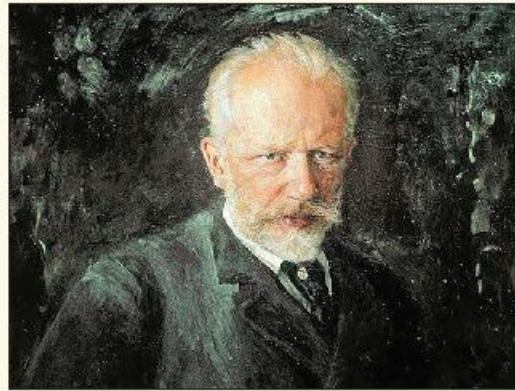
هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان پیشکسوت تئاتر، با اشاره به این که تئاتر هنری است که هرگز نمی‌میرد، درباره موضوع گیری این روزهای برخی از اهالی تئاتر نسبت به گروه‌هایی که روی صحنه می‌روند گفت: بخشی از هنرمندان تئاتر در شرایط فعلی نسبت به اجرای آثار روی صحنه موضوع گیری کرده‌اند و بخشی دیگر به کارشان روی صحنه ادامه می‌دهند. قطعاً این موضوع را زمان حل می‌کند و برای کوتاه مدت نمی‌توان نسخه منطقی برایش تجویز کرد. به نظر من چه آن‌هایی که کار می‌کنند و چه آن‌هایی که فعالیتی در این زمینه ندارند، یک دیگر را متهم نکنند و اجازه بدهند، کورسویی از روشنایی تئاتر باقی بماند. بهر



کتاب «مقالات شاهنامه» منتشر شد

کتاب «مقالات شاهنامه» نوشته محمد رسولی، به همت انتشارات سیزان، در ۱۵۱ صفحه و با قیمت ۵۴ هزار تومان منتشر و روانه بازار شده است. تاریخ یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین دانش‌هاست که کاربردهای فراوانی برای جامعه‌شناسی، شناخت مردمان جامعه و حتی شناخت یک واحد سیاسی (به عنوان کشور) دارد. تاریخ فقط قصه و داستان رویدادهای گذشته نیست که فایده‌ای نداشته باشد. تاریخ گذشته به انسان امروزی شناخت می‌دهد. با این شناخت و بینش می‌توان فردا را پیش‌بینی کرد و بالاتر از آن، می‌توان آینده را به درستی ساخت. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، شرح تاریخ سیاسی اجتماعی گذشته ایران (دوران‌های کهن و بیستان) است که مطالعه آن بسیار سودمند می‌باشد. ایما

چایکوفسکی؛ بدون هیچ احساس عمیقی از عشق



پیانوی او در پنج سالگی تامل‌گش، این مرد همواره به کار و تعالی سوق داده شد. همان‌طور که برایش آموزش دید، یک کارمند محلی در روسیه شد. در آن زمان حرفه موسیقی برای جایگاه محترم خانواده او قلیل قبول نبود. پدر بزرگ مادری او در تبریز دولت‌تو، در سال ۱۹۰۷ در دوره پیتربزرگ، توانسته بود امتیازاتی برای خود کسب کند و پدر بزرگ پدری او به عنوان فرماندار Glazov در Viatka خدمت می‌کرد. در نتیجه در خانواده آن‌ها به مریبان موسیقی و نوازندگان مجلسی نگاهی بالا به پایین وجود داشت. به همین جهت در سال ۱۸۵۹ شروع کارش در دولت را آغاز کرد و سه سال را در وزارت دادگستری گذراند و به سرعت به جایگاه دستیار ارشد ارتقاء یافت. او در جوانی شیفته یک خواننده سوپرانوی باژیک به نام دزیره آرتوبود که در سال ۱۹۶۸ نلزد کردند. ولی یک اختلاف نظر در حرفه کاری، موجب جدایی آن‌ها شد. او بعداً اعتراف کرده بود که دزیره، تنها زنی بوده که حقیقتاً عاشقش بوده است. از دواج او با دانشجوی سابق، آنتونینا میلیوکووا، در سال ۱۸۷۷ تنها چند هفته به طول

هر دانشجوی موسیقی حداقل با یکی از آثار آهنگساز بزرگ، پیوتر ایلیچ چایکوفسکی آشناست. در حقیقت احتمالاً شما با بیشتر ملودی‌ها و معیارهای او پیش از آن‌چه خودتان آگاه باشید، آشنا هستید؛ به دلیل این که بعضی از تم‌های موسیقایی او به بخش‌های نمادین فرهنگ غربی بدل شده است.

چایکوفسکی با خلق بیش از ۱۶۹ قطعه هنری، میراثی را به جا گذاشته که امروز هنوز هم بر موسیقیدان‌ها اثرگذار است. ترکیب‌بندی ناب تأثیرات غربی با ملودی‌های فولک سنتی روسی، ملی‌گرایی و نبوغ او موجب خلق تعدادی از دوست‌داشتنی‌ترین و قابل‌تشخیص‌ترین قطعات موسیقی شده که تا به حال خلق شده است. هنرآموزان موسیقی در دوره‌های ابتدایی آغاز تحصیل خود، حقایق اساسی را درباره این هنرمند و مشهورترین قطعات او می‌آموزند. به این هنرآموزان آموزش داده می‌شود که چگونه چایکوفسکی در Volkinsk متولد شد، چگونه به نخستین آهنگساز روسی تبدیل شد که امروز در سطح جهانی او را می‌شناسند، چگونه با این که در ۵۳ سالگی (سال ۱۸۹۳ در پترزبورگ) درگذشت و زندگی نسبتاً کوتاهی داشت، بارها در اروپا و آمریکا به عنوان رهبر مهمان دعوت شد. این هنرمند دوره رمانتیک، مهارتی برای نوشتن موسیقی داشت که احساسات آشفته او را در زندگی منعکس می‌کند. در حقیقت این آهنگساز چنان آثارش را به طرز درخشانی نوشته است که امروز هم با مخاطبان با موسیقی‌اش ارتباط برقرار می‌کند. با این حال جنبه‌های قلیل توجهی از زندگی او وجود دارد که خیلی شناخته شده نیستند. در ادامه با خواندن این نکات می‌توانید پیش از پیش چایکوفسکی را بشناسید:

یکی از نقل‌قول‌های او می‌گوید: «بهم مهملی است که با میل به دیدار تنبل هانمی‌رود». این گفته او قطعاً بیلگر این است که خودش با چنین دیدی در زندگی زیسته است. از نخستین آموزش‌های

لجلید و به یک حمله عصبی شدید منجر شد. بعداً او مشکلات این فاجعه را به خودش نسبت می‌داد، نه همسر سلیقش. او بعداً به مدت ۱۳ سال با حملی مالی خود به نام نادژدا افون مک، ارتباطی مکتب‌های داشت. این بیوه سرشناس که یک انحصار حمل و نقل چند میلیون دلاری در مرکز روسیه ایجاد کرد، از چایکوفسکی قبل و بعد از از دواج کوتاهش با آنتونینا میلیوکووا حمایت ملی و عاطفی داشت. آن‌ها در مدت ارتباط خود بیش از ۱۲۰۰ نامه رد و بدل کردند ولی تنها یک بار طی دیداری کوتاه در سال ۱۸۷۹ یک دیگر را ملاقات کردند. او طی دوران حرفه‌ای کاری خود تقه‌های تندی را مربوط به آثارش دریافت کرد. بسیاری از منتقدان احساس می‌کردند که آثار چایکوفسکی، موجب غمگین شدن مخاطبان می‌شود، از این رو او و کارش را تحقیر می‌کردند. به دلیل دوره زمانی منحصر به فردی که او در آن آهنگسازی می‌کرد، و توانایی بی‌همتای او در ادغام مفاهیم موسیقی غربی با مفاهیم سنتی روسی، امکان دریافت ستایش یکپارچه برای او دشوار بود. در حقیقت تا اواخر دوره حرفه‌ای، نبوغ وی مورد قدر دانی قرار نگرفت، گرچه که هیچ چیز اکنون مثل آن زمان نیست. چایکوفسکی از اختلال شدید شخصیتی به عنوان فردی ضد اجتماعی و منزوی رنج می‌برد و به سختی حضور در صحنه را تحمل می‌کرد. هنگامی که به عنوان رهبر ارکستر مهمان روی صحنه می‌رفت، دستش را روی سرش می‌گرفت؛ مانند کسی که می‌ترسد سرش از بدنش جدا شود! تزار الکساندر سوم، در سال ۱۸۸۴ نشان سنت ولادیمیر را به او اعطا کرد. این عنوان موروثی اشرافیت، جایگاه اجتماعی او را در روسیه مستحکم کرد. از آن زمان به بعد کمتر در ونگار بود و محبوبیت او افزایش یافت. چایکوفسکی، اورتور ۱۸۱۲ خود را «بسیار بلند و پر سر و صدا» توصیف می‌کند و می‌گوید که آن را بدون هیچ احساس عمیقی از عشق نوشته است. ایما

جشن ادبی بازی‌های ایرانی در سینما
کارگردان: عباس کدنگری
تهیه‌کننده: محمد دهن‌پور صادق

دوستم

چهارشنبه ۱۹ شهریور ماه یعنی از ۳۰ مهر ۱۴۰۱ ساعت ۱۸:۳۰ در سینماهای تهران و سراسر کشور
چهارشنبه ۱۹ شهریور در همه شهرها و کورس ۳۰ سینماها در هم‌زمان فیلم کوتاه «دوستم» پخش می‌گردد.